وظايف سازمانها و نهادها در ترويج فرهنگ مهدويت

 محسن قرائتي

اشاره: وظايف شيعه در برابر حضرت بقيةالله(عج)، بر دوگونه است: وظايف فردي؛ وظايف جمعي. برخي از كارها، بر عهده‏ي افراد است و بعضي از وظايف، بر عهده‏ي نهادها و سازمان‏ها و تشكل‏ها.

نوشتار حاضر، وظيفه‏ي مردم و مراكزي مانند حوزه و مساجد و تكيه‏ها و صدا و سيما و عقيدتي - سياسي نيروهاي مسلح و... را شمرده است.

اللّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَي وَأَلْهِمْنِي التَّقْوَي(1)

اللَّهُمَّ كُنْ لِوَليِّكَ الحُجَة بْنِ الحَسَن، صَلَواتُكَ عَلَيهِ وَعَلي‏ آبائِه، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً وَنَاصِراً وَدَلِيلاً وَعَيْناً حَتَّي تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.(2)

پيش در آمد

مراكز ديني درباره‏ي حضرت مهدي(عج) چه كارهايي مي‏توانند انجام دهند؟

من، براي پاسخ دادن به اين پرسش، مراكز مختلف را در نظر گرفتم و براي هر يك وظايفي را نوشتم. نام اين مراكز، چنين است: مساجد و تكايا؛ عقيدتي - سياسي نيروهاي مسلّح؛ صدا و سيما؛ منبري‏ها؛ مداح‏ها؛ سازمان و دفتر تبليغات؛ نهاد نمايندگي رهبري در دانشگاه‏ها؛ اوقاف؛ حوزه‏هاي علميّه؛ و مردم.

وظايف مردم‏

\* نام حضرت مهدي(عج) را ترويج دهند.

در قرآن آمده است:

((... يا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً)).(3)

در اين جا، ((سبيلاً)) به طور نكره آمده است. مردم، در روز قيامت، هيچ چيز ندارند جز اين كه مي‏گويند: ((ما، اسم بچه‏مان، حسن و حسين بود.)) و همين نخ باريك، اين‏ها را نجات مي‏دهد. اين ((سبيلاً)) يعني يك راه بسيار مختصر، مانند همين كه نام پسرش را ((مهدي)) مي‏گذارد.

نگوييد: ((نام برادر من، مهدي است و برادر خانم‏ام مهدي است، بنابراين، من نمي‏توانم نام پسرم را مهدي بگذارم.))! چه طور اگر برادرتان تلفن و تلويزيون و فريزر داشته باشد، نمي‏گوييد، ديگر من نداشته باشم؟! چه اشكالي دارد كه در همه‏ي خانه‏ها، ((فاطمه)) باشد، ((مهدي)) باشد؟!

\* موقوفات براي امام حسين عليه السلام‏و حضرت ابوالفضل‏عليه السلام زياد است، ولي درباره‏ي قرآن و امام زمان(عج) زياد نيست.

\* براي كتاب‏هايي كه مربوط به امام زمان(عج) است، كسي باني شود، مثلاً، چند هزار جلد كتاب بخرد و به افراد بدهد يا اين كه يك سري كتاب بخرند و ارزان‏تر بدهند.

\* حديث داريم كه اگر چيزي مي‏خواهي براي بچه‏ات بخري، شب جمعه بده كه او با كلمه‏ي جمعه و ياد امام زمان(عج) آشنا شود.

\* حديث تكان دهنده‏اي ديدم. امام فرمودند: ((من، روزي صد بار شما را دعا مي‏كنم.)). خيلي بي انصافي است كه آقا، روزي صد دفعه ما را دعا كند، ولي ما يك ((اللهم كن لوليك)) هم نگوييم!

\* معلّم از دانش‏آموزان بخواهد يك انشا براي آقا(عج) بنويسند. ما، در ستاد اقامه‏ي نماز، سه سال است اين كار را مي‏كنيم. امسال، ششصد هزار انشا نوشته بودند.

\* هديه‏ها و چشم روشني‏ها، كتاب‏هايي درباره‏ي امام زمان(عج) باشد. هديه‏ي هر كس، كتابي مطابق نيازش باشد.

اين‏ها، نمونه‏ي كارهايي است كه مردم مي‏توانند انجام دهند.

وظايف عقيدتي - سياسي نيروهاي مسلح‏

\* سردوشي‏ها، در روز نيمه‏ي شعبان داده شود.

\* نيمه‏ي شعبان، نوع غذا و لباس‏هاي پادگان‏ها، فرق كند و مناسب جشن باشد.

\* كتاب‏هاي ساده ولي پر محتوايي، در نيمه‏ي شعبان ميان كادر، و كاركنان و سربازان، به مسابقه گذاشته شود.

\* در همه‏ي مراسم‏هاي صبحگاهي، نام امام زمان(عج) برده شود.

\* سربازان، بسيجيان، پاسداران، ... سربازان امام زمان‏اند. اين مطلب به آنان گفته شود. اين، يك نوع تربيّت است. قرآن مي‏گويد:

((... مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْراهِيمَ...))؛(4)

پدر شما ابراهيم است.

در حديث نبوي آمده است:

((أَنَا وَعَلِيٌ أبَوا هذِهِ الأُمَّةِ...)).(5)

اگر من احساس كنم، پدرم، حضرت ابراهيم پيامبر است، چه خواهد شد؟ اگر انسان احساس كند سرباز امام زمان‏عليه السلام است، چگونه خواهد بود؟ اين مسئله، خودش، يك تلقين است. بايد به مناسبت‏هاي مختلف، از مهدويّت سخن گفت.

وظايف مساجد و تكايا

\* اين چراغاني‏ها و جشن‏ها را بايد به نسل نو منتقل كرد. اين، خيلي مهم است.

\* همان گونه كه عاشورا، ديگ‏هاي غذا بار مي‏گذارند، در نيمه‏ي شعبان نيز همه‏ي مردم اِطعام شوند.

\* در مساجد، نيمه‏ي شعبان، اِحيا گرفته شود. در حديث آمده است: ((كسي كه شب نيمه‏ي شعبان تا صبح نخوابد، آن وقتي كه همه‏ي دل‏ها مرده است، دل او زنده است.)). اگر همه، يك سمت رفتند، او، به سمت ديگر مي‏رود. در دانشگاه تهران، اين كار انجام شد و امسال(6) نيز برگزار خواهد شد. جمعيّت زيادي مي‏آيند. سخنراني، و مقاله خواني از سوي دانشجويان و... از برنامه‏هاي آنان است.

\* از بچه‏ها بخواهيم كه هر كس يك مقاله‏ي خوب بياورد و در مسجد بخواند.

\* به مناسبت نيمه‏ي شعبان به فقرا و سال‏مندان كمك شود. حضرت امام‏رحمه الله در نوفل لوشاتو كه بودند، روز تولّد حضرت مسيح، علي نبينا و آله و عليه السلام، به همه‏ي همسايه‏هاي مسيحي سر زدند يا هديه فرستادند. امام رضاعليه السلام عيد غدير براي دوستان‏اش انگشتر مي‏فرستادند. در حديث آمده است: ((رسول خداصلي الله عليه وآله گاهي گوسفندي را ذبح مي‏كردند و گوشت‏اش را براي خانم‏هايي كه رفيق حضرت خديجه‏عليها السلام بودند، مي‏فرستادند. اين، بزرگ‏داشت است.

\* غرفه‏هاي كتاب و نوارهاي مفيد در اين زمينه ايجاد شود.

\* از افرادي كه به مسجد نمي‏آيند، دعوت شود. نيمه‏ي شعبان، وقت خوبي است كه آنان را به طور خصوصي دعوت كنيم. ممكن است لباس مناسبي براي مسجد نداشته باشد يا خداي نكرده نماز بلد نباشد و بالاخره مشكلي داشته باشد، ولي شيريني خوردن و شعر گوش دادن كاري ندارد. اينان را خصوصي دعوت كنيم.

البته، مي‏توانيم كلاس‏هايي نيز در مساجد برگزار كنيم.

وظايف صدا و سيما

\* در صدا و سيما، هر شبكه، مي‏تواند كار خاصّي انجام دهد. شبكه‏ي اوّل، اشعاري كه در مورد آقا است، بخواند و شبكه‏ي دوم، سؤالاتي كه در مورد آقا است پاسخ دهد و شبكه‏ي سوم، نامه‏ها و توقيعات آقا را تفسير كند و يك شبكه، شعرا و نويسندگان درجه‏ي يك را كه درباره‏ي آقا شعر گفته‏اند، معرفي كند و...

\* شبكه‏هاي صدا و سيما، مي‏توانند هر صبح جمعه، يك برنامه‏ي ويژه داشته باشند. به لطف الهي، اين كار انجام شده است. شبكه‏ي دو، صبح جمعه، برنامه‏اي دارد به نام به سوي ظهور. معرفي كتاب، شعر، پاسخ به پرسش‏ها، و... از فعّاليّت‏هاي اين برنامه است.

\* جمعه، روز آقا است. شرح دعاهاي ندبه و عهد و... بايد در اين روز در برنامه‏ها قرار بگيرد، آن هم شرحي وزين و سنگين، نه اين كه بگوييم: ((يا ابن الحسن! كجا هستي؟))! عشق، بايد در شأن امام زمان(عج) باشد.

\* پشتيباني از نمايش‏نامه‏ها و فيلم‏هايي كه درباره‏ي اصحاب امام زمان(عج) و سفراي ايشان و افرادي كه ايشان را ملاقات كرده‏اند، نوشته شده، ضروري مي‏نمايد.

\* براي برنامه‏هاي برون مرزي، مي‏توان كارهايي كرد و به زبان‏هاي مختلف، برنامه توليد كرد: اسپانيايي؛ ژاپني؛ انگليسي؛ عربي؛ اردو؛ ...

\* تفسيري را من به صدا و سيما مي‏دهم كه حدود پنج صفحه است. آن را به بيست و هفت زبان ترجمه مي‏كند. ما مي‏توانيم درباره‏ي امام زمان(عج) هم برنامه‏هاي برون مرزي را تحت پوشش قرار دهيم.

\* انجمن حجّتيه، متلاشي شد. خانه‏ي خشتي را كه خراب مي‏كنيم، بايد يك خانه‏ي آجري بسازيم. آن را خراب كرديم و چيزي به جاي آن نساختيم. ما يك تشكيلات راه انداختيم و امسال چهار ميليون بروشور، در باره‏ي سيماي مهدي(عج)، سيرت مهدي(عج) و... چاپ كرديم. آن بروشورها، يكي دو صفحه بيش‏تر نبود. نسل امروز، حوصله‏ي مطالعه ندارد. بايد مطلب را خلاصه و چكيده به او ارائه كرد. نسلي است كه ساندويچ مي‏خورد، چون حوصله‏ي پختن ندارد و اخيراً، آب ميوه مي‏خورد، چون حوصله‏ي جويدن هم ندارد. از اصول تبليغ اين است كه ببينيم، شخص، چه مقدار حوصله دارد. قرآن مي‏فرمايد:

((... خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفاً...))؛(7)

... خداوند، به شما تخفيف داد، و دانست كه در شما ضعف است... .

حالا كه شما ضعيف هستيد، خدا، كوتاه مي‏آيد. كارهايي كه ما چاپ كرديم، ساده‏اند. بخشي از كتاب خورشيد مغرب، نوشته‏ي استاد محمّد رضا حكيمي است كه درباره‏ي تكليف ما، در عصر غيبت است. يك ميليون نسخه از آن، چاپ شده است. كارهايي هم در سطح آموزش و پرورش انجام مي‏دهيم و به شبكه‏هاي صدا و سيما نامه فرستاديم كه اگر مي‏خواهيد نيمه‏ي شعبان را پوشش دهيد، ما، مطالبي براي‏تان مي‏فرستيم كه با هم فكريِ هم، آن‏ها را كامل مي‏كنيم و ارايه مي‏دهيم.

وظايف واعظان و مداحان‏

\* واعظان و مداحان، بايد در ميان خودشان، انتخابات راه بيندازند و آن كسي كه در وعظ و خطابه، از همه قوي‏تر است، انتخاب شود تا مسائل را مستدل و پخته مطرح كند. سخن‏راني‏هاي ما، بايد همين محتواهاي قرآني و حديث باشد. دعا و حديث بخوانيم. دعا را ساده نگيريد.

عوامل سقوط يك جامعه چيست؟ اگر حوزه و دانشگاه تحقيق كنند، عصاره‏ي همه‏ي رساله‏هاي علمي كه در مورد سقوط جامعه نوشته شده، در صفحه‏ي آخر دعاي ابوحمزه‏ي ثمالي است كه در مفاتيح الجنان آمده است. امام سجادعليه السلام مي‏فرمايد: ((خدايا! پناه مي‏برم به تو از عوامل سقوط)). ايشان، عوامل سقوط را اين گونه مي‏شمارد:

اللّهُمّ! إنّي أعوذُبِكَ مِن الكَسَلِ والفَشَل والهَمِّ والجُبنِ والبُخلِ والغَفلَةِ وَالقَسوَةِ وَالذّلَّةِ وَالمَسكَنَةِ وَالفَقْرِ وَالفاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ...؛(8)

خدايا! من، از تنبلي و ناكامي و اندوه و ترس و بزدلي و بخل و غفلت و سنگ دلي و ذلّت و خواري و بينوايي و فقر و نيازمندي و هر مصيبتي، به تو پناه مي‏برم... .

عوامل سقوط يك جامعه، تن پروري، جهل و بي سوادي، تفرقه، غفلت، عيش، فقر، ... است.

وظايف نهاد نمايندگي رهبري در دانشگاه‏ها

\* در كتاب معارف دانشگاه، به مسئله‏ي حكومت جهاني آينده، توجّه شود. متأسّفانه، در مباحث معارف دانشگاه دو مورد ديده نمي‏شد: يكي، بحث نماز و ديگري، امام زمان(عج)؛ يعني، نه از عمود دين و نه از قطب عالم هستي، چيزي نوشته نشده است! اخيراً، بخشي از كتاب معارف دانشگاه را به بحث نماز و مسئله‏ي حكومت جهاني اختصاص داده‏اند.

\* كتاب‏هاي مفيد را با نرخ ارزان در اختيار دانشجويان بگذاريم.

\* از دانشجويان خوش قلم، تقاضا كنيم كه مسئله‏ي مهدويّت را با استفاده از استعداد خود بيان كنند.

\* در خواب گاه‏ها، دعاي ندبه و سخنراني‏هايي درباره‏ي امام زمان(عج) انجام شود.

\* بروشورهاي مفيد در شمارگان بالا منتشر شود.

\* اردوهاي زيارتي و موضوع پايان نامه‏ها و پاسخ به سؤالات، در اين زمينه باشد.

\* جشن فارغ التحصيلان دانشگاه، در نيمه‏ي شعبان برگزار شود.

\* دانشجويان با انواع كتاب‏هايي كه درباره‏ي امام زمان(عج) است، در قالب ((نمايش گاه كتاب‏هاي مهدويّت)) آشنا شوند.

\* كانون‏هاي فرهنگي كه به اسم آقا است، ايجاد يا تقويّت شود.

وظايف اداره‏ي اوقاف‏

\* اوقافِ مهديّه‏ها، بي سر و سامان است و بايد آن را سر و سامان داد.

\* هيئت‏هاي امنا، بايد متشكّل از اقشار مختلف باشند: دانشگاهي؛ نسل نو؛ خانم‏ها؛ ... .

\* در اين كاشي كاري‏ها كه به آن هنر معماري مي‏گويند، بايد روايات مربوط به امام زمان(عج) با خط خوانا نوشته شود.

\* در نيمه‏ي شعبان، بخشي از امكانات و بودجه‏هاي اوقاف، درباره‏ي امام زمان(عج) باشد.

\* تابلوهاي جذابي در امام زاده‏ها مي‏توان نوشت.

\* مسجد جمكران بايد سر و سامان بگيرد. جمكران، مال خود امام(عج) است. در هفته، صدها هزار نفر به خاطر امام زمان(عج) به جمكران مي‏آيند.

\* نام گذاري مكان‏هاي مذهبي موقوفه به نام امام زمان(عج).

وظايف حوزه و سازمان و دفتر تبليغات اسلامي‏

\* خرافه زدايي از مسئله‏ي مهدويّت، وظيفه‏ي حوزه است. امروزه، بازار خرافه داغ شده است.

\* هر طلبه، سالي يك كتاب در باره‏ي آقا مطالعه كند. كتاب‏هاي مناسبي، در اين زمينه نوشته شده است.

اين جا محيط حوزه است. شما مي‏توانيد كارهاي سنگين‏تري انجام دهيد.

\* بيش‏ترين چراغاني‏ها بايد در خانه‏ي علما باشد. ما، به لباسي كه پوشيده‏ايم، افتخار مي‏كنيم. ما، سرباز امام زمان(عج) هستيم. چراغاني مدرسه‏ي فيضيه، بايد بيش از قصابي‏ها و نانوايي‏ها باشد؛ چون، ما، منسوب به امام زمان(عج) هستيم. سهم امام زمان(عج) را ما مي‏خوريم، چراغاني‏اش را قصاب‏ها و نانواها مي‏كنند! ما، بايد بيش‏تر اظهار علاقه كنيم!

\* با مؤسّساتي كه مربوط به آقا هستند و مؤسّساتي كه براي آقا تحقيق مي‏كنند، آشنا شويم. انتقال تجربه، خيلي مهم است.

\* آشنايي با شبهات براي پاسخگويي بدان‏ها، امري بسيار ضروري است.

\* مردم را دعوت كنيم كه براي امام زمان‏عليه السلام، صدقه بدهند. ناخداي كشتيِ هستي، امام زمان(عج) است. براي سلامتي امام زمان(عج) بايد صدقه داد. آقا، وقتي مي‏بيند براي سلامتي‏اش صدقه مي‏دهم، در حقِّ من دعا مي‏كند؛ چرا كه قرآن مي‏فرمايد:

((وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا...))؛(9)

هرگاه به شما تحيّت گويند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهيد... .

اگر من، براي آقا كاري كنم، ايشان حتماً، به من لطفي مي‏كند.

\* سازمان و دفتر تبليغات، بايد تهيّه و توزيع موادّ علمي و كتاب و مجلات را انجام دهند. بدين صورت كه آمار طلاب را داشته باشند و هر سال، به مناسبت‏هاي مختلف، مثلاً نيمه‏ي شعبان، آخرين كتاب‏ها را مجّاني براي‏شان بفرستند؛ زيرا، روحاني، در نقاط دور دست، از كجا بداند كه چه كتاب‏هايي چاپ شده است.

\* بايد محقّقان را شناسايي كنند. معناي سازمان، همين است. ممكن است محقّقي باشد كه كسي هم او را نشناسد و تا كنون چهل يا پنجاه جلد كتاب خوب نوشته باشد. آقاي قرشي در اروميه، چهل و پنج جلد كتاب مفيد نوشته است و ناشناخته هم هست!

\* بايد بگوييم هر كس مقاله‏ي تحقيقي دارد، بفرستد و ما بايد او را ياري كنيم و از او ياري بطلبيم. ما، در ستاد اقامه‏ي نماز، همين كار را كرديم. گفتيم، هر كه شعر خوب دارد، بفرستد. بيش از هزار شعر خوب، جمع شد. دفتر و دستك هم نمي‏خواهد. اگر از مردم ياري بطلبيم، خودشان چيزهاي خوبي مي‏فرستند.

اِعلام كرديم: ((شيرين‏ترين نمازي كه خوانده‏ايد، كدام بوده است؟ آن را براي ما بنويسيد)). چند گوني نامه آمد. در اين نامه‏ها، نامه‏هايي بود كه اگر همه‏ي مُخ‏هاي صدا و سيما و حوزه و دانشگاه فكر كنند، چنين مطلبي نمي‏توانستند بنويسند. نامه‏اي از يك دختر يازده ساله است:

دختر يازده ساله‏اي هستم. با اتوبوس با پدر و مادرم مسافرت مي‏كردم. روي پا ايستاده بودم. ديدم خورشيد كم كم غروب مي‏كند. گفتم: ((بابا! نماز نخواندم.)). گفت: ((بايد بخواني، امّا الآن كه در بيابان نمي‏شود نماز خواند.)). گفتم: ((قضا نشده؟ من مي‏توانم بخوانم.)) گفت: ((بنشين! حرف نزن! چهل تا مسافر به خاطر تو نمي‏ايستند! ماشين را كه نگه نمي‏دارند!)). گفتم: ((بابا! خواهش مي‏كنم، شما با من مخالفت نكنيد، من نماز مي‏خوانم.)). قبول كرد.

يك شيشه آب آوردم. يك سطل زير صندلي اتومبيل بود. شاگرد شوفر گفت: ((دختر چه كار مي‏كني؟)). گفتم: ((من مي‏خواهم وضو بگيرم و مطمئن باش نمي‏گذارم آب توي اتوبوس بچكد.)).

راننده، از آينه نگاه كرد و گفت: ((دختر چه مي‏كني؟)). گفتم: ((آقا! وضو مي‏گيرم و نمي‏گذارم آبش بچكد.)). گفت: ((من، اصلاً به احترام تو مي‏ايستم.)).

راننده ايستاد. پياده شدم رفتم پايين و نماز خواندم. بعضي از مسافران هم كه نماز نخوانده بودند و شايد نمي‏خواندند، يكي يكي پايين آمدند و آن‏ها هم نماز خواندند.

اين، شيرين‏ترين نمازي بود كه خوانده‏ام.

اين دختر با اين كار، امامِ مردان و زنان سالخورده شد. قرآن هم همين را مي‏خواهد بگويد:

((... واجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً...))؛(10)

... و ما را براي پرهيزكاران، پيشوا گردان... .

ما، امام لازم داريم! لازم نيست كه امام، حتماً، رهبر انقلاب و... باشد. اين نامه را براي مسئولان صدا و سيما خواندم و گفتم، اگر از مردم بخواهيم، براي‏مان اين گونه كار كنند، چنين سناريوهايي به دست ما خواهد رسيد.

\* ايجاد نمايش‏گاه‏هايي از كتاب‏هاي مفيد نيز در اين زمينه كار خوبي است.

\* مي‏توانيم در نيمه‏ي شعبان هم اعزامِ يكي دو روزه از طلاب به سطح مناطق كشور داشته باشيم. اين‏ها، كار سازمان تبليغات است.

\* صدا و سيما را بايد حوزه تغذيه كند. نيمه‏ي شعبان رابطه برقرار كند كه ((آقا! ما افراد مختلفي داريم كه مي‏توانند صحبت كنند.)).

\* از نقل مطالب سُست جلوگيري شود. كتاب‏هايي چاپ مي‏شود كه بايد از چاپ آن‏ها جلوگيري كرد.

\* اهداي جوايز به طلبه‏هايي كه تلاش‏هاي برتري داشته‏اند، بايد آنان را با مسائل و شبهات جديد، آشنا كرد.

\* برگزاري نشست‏ها و حتّي همايش‏هاي جهاني و دعوت شخصيّت‏هاي جهاني.

\* يك دوره‏ي تخصّصي مهدويّت بايد گذاشته شود. البته، ما اين كار را با استفاده از استادان خوب حوزه و دانشگاه كرده‏ايم. گوينده‏اي كه مي‏خواهد درباره‏ي امام زمان(عج) صحبت كند، خودش بايد ده‏ها جلد كتاب در اين زمينه ديده باشد و در جريان شبهات باشد.

\* امدادها و حمايت‏هايي كه آقا از بزرگان كرده و... بايد براي طلاب جوان گفته شود. همه‏ي طلبگي، نبايد درس و كلاس و امتحان باشد! در اسكناس، يك نخ است كه آن نخ به آن ارزش مي‏دهد. آن نخ، فراموش نشود.

\* در حوزه‏ها، دعاي ندبه را فراموش نكنيم.

\* گنجاندن سرفصل‏هاي مهدويّت در رشته‏هاي تخصّصي تبليغ و تفسير و... در هر رشته‏ي تخصّصي، بخشي از مهدويّت مطرح شود.

\* طلاّب براي چراغاني، تشويق شوند. بعضي از طلاب، حاضرند صد تا مقاله بنويسند، ولي حاضر نيستند يك چراغاني كنند. طلبه، بايد عاشورا سينه بزند! بلد باشد گوسفند بكشد! فقط اهل ((صبّحكم اللّه)) و ((مسّاكم اللّه)) نباشد! اين كارها را هم بكند. اين، مسئله‏ي مهمّي است. حضرت ابراهيم، تبر دست گرفت.(11) حضرت موسي، علي نبينا و آله و عليه السلام، يك سيلي زد و طرف مرد.(12) گاهي وقت‏ها بايد يك رگي در طلبه‏ها باشد.

\* بايد پايگاهي براي پاسخ گويي در قم باشد. با استفاده از اينترنت، و اينترانت، به سؤالات درباره‏ي امام زمان(عج) و همه‏ي شبهات پاسخ گفته شود.

اين‏ها، چيزهايي بود كه به عقل ناقص من مي‏آمد تا ببينم به عقل كامل شما چه مي‏آيد... به هر حال، آرزو بر پيرها عيب نيست تا چه رسد به جوانان! ما، يكي يكي، اين كارها را إن شاء الله دنبال مي‏كنيم و هر كاري بتوانيم، براي آقا انجام مي‏دهيم. اميدواريم كوتاهي‏ها را بر ما ببخشايند.

سخن پاياني‏

در حرم امام رضاعليه السلام شخصي از من پرسيد: ((آقاي قرائتي! چند سال است طلبه‏اي؟)). گفتم: ((من، از چهارده سالگي طلبه شدم. الآن خيلي سال است. گفت: ((اميرالمؤمنين‏عليه السلام وقتي ياران‏اش را مي‏ديد، لذّت مي‏برد، آيا شما به گونه‏اي هستيد كه وقتي حضرت مهدي(عج) نگاه‏تان كند، لذت ببرد؟)). گفتم: ((نه؛ من، چنين توقّعي هم ندارم، امّا همين كه از ما غم زده نشود، كافي است.)). اين حرف را زد و رفت، ولي مرا منقلب كرد كه ((آيا واقعاً حضرت مرا دوست دارد يا نه؟)).

ما، از درِ خانه‏ي امام زمان(عج) دوري نكنيم. آية الله وحيد خراساني، جمله‏اي گفت كه من خيلي تكان خوردم. گفت: ((اگر به يك سگ، چند تا استخوان چرب بدهي، هر چه هم سنگ به او بزنند، هيچ وقت از درِ خانه‏ي صاحب‏اش كنار نمي‏رود. ما كه سهم آقا را خورديم، نكند چند تا متلك بشنويم و از در خانه‏ي صاحب مان كنار رويم و امام زمان(عج) را رها كنيم! به لباس خودمان عشق بورزيم! به طلبگي‏مان افتخار كنيم!)).

مردم كره‏ي زمين، سه دسته‏اند: يا توليد مي‏كنند يا توزيع يا مصرف. زنده باد طلبه كه اگر مُخ‏اش كار كند و قوي باشد، توليد علم مي‏كند و اگر مُخي نداشته باشد كه فكر توليد كند، توليدات ديگران را ياد مي‏گيرد و توزيع مي‏كند و اگر نه فكر داشت و نه بيان، باز ياد مي‏گيرد و خودش عمل مي‏كند. و خوش به حال كسي كه هم مخ داشته باشد و هم زبان و هم عمل كند:

((عالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلمِه أفضَلُ مِن سَبعين ألفَ عابِد؛(13)

عالمي كه از علم‏اش استفاده مي‏شود، بهتر از هفتاد هزار عبادت كننده است.)).

خدايا! ما را نسبت به امام زمان‏عليه السلام، وفادار قرار بده! ايماني بده كه هر حادثه‏اي پيش آمد، ما را از امام زمان‏عليه السلام دور نكند!

------------------

پي‏نوشت‏ها:

1) صحيفه‏ي سجاديه، دعاي 20، فراز 16.

2) بلدالامين، ج 1، ص 203؛ مفاتيح الجنان، اعمال شب بيست و سوم ماه مبارك رمضان.

3) فرقان (25): 27:... اي كاش با رسول (خدا) راهي برگزيده بودم!

4) حج (22): 78.

5) بحارالأنوار، ج 16، ص 95؛ شيخ صدوق، كمال الدين، ج 1، ص 261؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج 3، ص 105: من و علي، پدران اين امّت‏ايم... .

6) سال 1380 ه .

7) انفال (8): 66 .

8) شيخ عباس قمي، مفاتيح الجنان، دعاي ابوحمزه‏ي ثمالي؛ شيخ طوسي، مصباح المتهجد، ص 597، دعاء السحر في شهر رمضان.

9) نساء (4): 86 .

10) فرقان (25): 74.

11) صافات (37): 93 ((فَرَاغَ عَلَيهِمْ ضَرْباً بِاليَمِين))؛ سپس به سوي آنان رفت و ضربه‏اي محكم با دست راست بر پيكر آنان فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را در هم شكست).

12) قصص (28): 15 ((... فَوَكَزَهُ مُوسي‏ فَقَضَي‏ عَلَيه...))؛... موسي، مشت محكمي بر سينه‏ي او زد و كار او را ساخت (و بر زمين افتاد و مُرد)... .

13) محمّد بن يعقوب كليني، كافي، ج 1، ص 33.